



یاد گرفتیم که همیشه یک کار را با نام خدا آغاز کنیم و سرآغاز کتاب زندگی همه ما خداست.

پس به یادش.... به نامش.....

خدای متعال در اولین آیاتی که بر رسول گرامی اش نازل کرده، خود را چنین معرفی فرموده است: الذی علّم بالقلم؛ پروردگاری که با قلم آموخت. این آیه شریفه گواه اهمیت آموزش و نیز نگارش و نیز ارزش والای کتاب و کتابت در تفکر اسلامی است. پس هرگز روا نیست که کتاب را سبک بشماریم و خود را از آن بی نیاز بدانیم بلکه باید قدر کتاب را بشناسیم و آن را ارج نهیم.

در مملکت ما وضعیت کتاب و آب مثل هم هستند؛ هر دو به بحران رسیده اند. این مصرفش کم و آن یکی بی رویه است. کاش کمی جدی تر فکر کنیم. با توجه به اینکه ۸۰ درصد جمعیت کشور را قشر با سواد تشکیل می دهد، سرانه مطالعه ما با کشورهای چو افغانستان، بنگلادش و یا چند کشور آفریقایی برابر است. در مورد شمارگان (تیراژ) کتاب هم وضعیت اسفناک است. با توجه به جمعیت ۷۰ میلیونی ایران، ناشران از ترس این که کتاب هایشان به فروش نرود کتاب ها را حداکثر در ۳۰۰۰ نسخه چاپ می کنند. در صورتی که در کشور فرانسه با جمعیت ۵۵ میلیون نفری، شمارگان کتب به ۳۵۰ هزار جلد می رسد. در طول یکسال از هر ۱۱۰ ایرانی، تنها یک نفر یک جلد کتاب خریداری کرده که بنا به نظر کارشناسان همین یک جلد نیز احتمالاً درسی یا کمک درسی است و به طور میانگین هر ایرانی در هر ۱۸۹۲ روز (حدود ۵ سال) تنها یک کتاب می خواند.

بهار همیشه خیلی زود می گذرد. بهار جوانی هم با یک چشم بر هم زدن می گذرد. اما همان مدت کوتاه سرمایه همه زندگی است. کمی جدی تر فکر کنیم تا این سرمایه به بطالت نگذرد. کتاب مثل نسیم بهاری روح و روان انسان را طراوت می بخشد و تشنگی جان را سیراب می کند و در سایه سار هم صحبتی و همدمی با کتاب وجود انسان آرامش را حس می کند.

اگر کتاب از خوبی ها، زیبایی ها و راستی ها بگوید، درخت زندگی پربار و محکم خواهد بود. البته مطالعه فقط خواندن نیست، رفتن یک راه است. پایه پای جملات، دست در دست کلمات و لمس نزدیک همه آنچه که در کتاب است. در واقع کتابخوانی هنر است.

به امید روزی که فارغ از این همه بحث در مورد عدم رغبت میلیون‌ها نفر به کتاب و کتابخوانی، ساعتی فارغ از گرفتاریهای روزمره زندگی، از قفسه کتابخانه کتابی را بردارید و شروع به خواندن کنید.